



ناتوی فرهنگی

حمیدحیبی^۱

چکیده

بررسی پیشینه، زمینه، علل، اهداف، شیوه‌ها، ابزارهای ناتوی فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن، موضوع این مقاله بود. گرچه مفهوم ناتوی فرهنگی در سال ۸۵ از سوی مقام معظم رهبری وضع گردید ولی پیشینه آن به سال ۱۹۲۰ باز می‌گردد که نفوذ در اراده‌ها با شیوه‌هایی مدرن از سوی فولر انگلیسی مطرح شد. با دو قطبی شدن نظام بین‌الملل ناتوی نظامی، تکنولوژی‌های برتر و رسانه‌ها را همراه با صرف هزینه‌های بسیار سنگین در این راستا به کار گرفت. بازتاب وسیع انقلاب اسلامی ایران در جهان، ارائه‌ی الگویی موفق از حکومت دینی بویژه با پیشرفت‌های ایران در علوم استراتژیک ژنتیک، هوا و فضا، هسته‌ای و دیجیتال، غرب را به تغییر رویکرد ناتو از کارکرد نظامی به کارکرد دوگانه نظامی - فرهنگی و تشکیل ناتوی فرهنگی سوق داد که اقدامات غیرانسانی‌ای چون استحاله فرهنگ دینی و ملی، ترویج خرافات، عرفان و تصوف تخدیری، اباحی‌گری و لاقیدی، تشدید گرایشان قومی و نژادی، مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی و... با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته رسانه‌ای از کارکردها و شیوه‌های این پدیده است. برای مقابله با این رویکرد نظام سلطه، جهان اسلام هوشیارا نه باید همه عواملی را که بر آیندشان اتحاد ملی و انسجام اسلامی است را به کار گیرد و اجازه ندهد تا تهدید بیرونی بر نقاط ضعف



درونی متمرکز شود. در این راستا خدا محوری، خود باوری و اعتماد به نفس و ایجاد پیوند مستحکم میان اعتقادات، احکام و اخلاق ضرورتی انکار ناپذیر است.

کلید واژه ها: ناتو، فرهنگ، ناتوی فرهنگی، جنگ سرد فرهنگی

اهمیت و ضرورت بحث

که در دیدار جمعی از نظامی‌ها با مقام معظم رهبری در تاریخ بیستم فروردین‌ماه سال ۱۳۸۵، معظم‌له بر شناخت نقاط قوت و ضعف خود و دشمن تأکید فرمودند. نکته مهم دیگر مورد تأکید ایشان توجه دادن به معنویت و کار جدی در این زمینه بود.

در خصوص بررسی نقاط قوت و ضعف دو اصل اساسی مطرح است؛ یکی شناخت نقاط قوت و ضعف درونی نظام جمهوری اسلامی برای مواجهه با بیرون و دیگری شناخت فرصتها و چالشها و تهدیدات بیرونی.

راهبرد مورد نظر نیز باید با توجه به این اهداف شکل گیرد؛ نخست کاهش نقاط ضعف و افزایش نقاط قوت و از سوی دیگر کاهش و تحدید تهدیدها و گسترش فرصت‌های بین‌المللی، نقطه قوت یک راهبرد براساس الگوی فوق در موقعیتها و مقتضیاتی است که نظام جمهوری اسلامی ایران بتواند:

۱. مؤلفه‌های قدرت درونی خود را با فرصت‌های بین‌المللی موجود پیوند داده و منافع ملی و امنیت ملی خود را بر این اساس تأمین کند؛

۲. همزمان تلاش کند تا تهدیدهای بیرونی با نقاط ضعف درونی پیوند نیابد، چون در چنین شرایطی سیستم بیشترین ضربات را از تهدیدهای بیرونی متحمل خواهد شد.

در قالب همین الگو، جمهوری اسلامی ایران باید بتواند نقاط قوت خود را بر روی نقاط ضعف دشمن یا دشمنان موجود متمرکز کرده و آنها را وادار به تأمین حد ممکن از منافع یا مؤلفه‌های امنیت ملی خود نماید. در دنیای وابستگی متقابل پیچیده نامه ریاست جمهوری اسلامی ایران به بوش از مؤلفه‌های قدرت درون نظام اسلامی ایران یعنی معنویت و اعتقادات به اسلام عزیز بود که با فرصت‌های بین‌المللی از جمله افکار عمومی دنیا پیوند زده شد، اما عملکرد برخی احزاب و جریان‌های سیاسی می‌تواند به نقطه ضعف درونی نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود تا تهدیدات بیرونی بر آن متمرکز شود.

چنانچه برخی احزاب به قول مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی در جوامع شرقی این گونه بوده‌اند. ایشان می‌گویند: «الحزبية في الغرب دوا و في الشرق داء» یعنی حزب در غرب راه درمان دردهاست و در جوامع شرقی منشاء دردها است (معرفت، ۱۷۸) و به فرموده قرآن کریم «كل حزب بما لديهم فرحون» یعنی هر گروهی به اوهام و خیالات فاسد خود شاد است. (روم، ۳۲) در حالیکه بنابر فرموده حضرت امیر علیه السلام باید کارکردش مبتنی بر این اصل باشد که من «استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الاخطاء» یعنی هرکس از مواجهه با آراء استقبال کند، به خطاها پی می‌برد.

پدیده‌ی ناتوی فرهنگی درست در همین جا خود نمایی می‌کند. این پدیده در پی تمرکز بر روی چنین نقاط ضعفی از نظام جمهوری اسلامی است. که در این جا به ابعاد مختلف آن به اختصار اشاره می‌شود.

تعریف مفاهیم

۱- فرهنگ^(۲): از فرهنگ به مجموعه دستاوردهای معنوی یک کشور یاد کرده‌اند. به مجموعه توانمندی‌هایی که انسان به کمک اندیشه و تفکر در محیط پیرامون (طبیعت) تغییراتی را ایجاد می‌کند نیز فرهنگ گفته‌اند. (ستوده، ۲۰) از میان تعاریف گوناگون فرهنگ، می‌توان به این تعریف اکتفا کرد که فرهنگ به مجموعه دانش‌ها، بینش‌ها، باورها، آداب و رسوم و سنت‌های عموم افراد یک جامعه اطلاق می‌شود که نسل به نسل منتقل می‌شود.

۲- ناتو: با صف آرایی کشورهای طرفدار نظام سرمایه داری به رهبری ایالات متحده آمریکا در مقابل کشورهای طرفدار سوسیالیسم به رهبری شوروی، در سال ۱۹۴۹، بین آمریکا و کشورهای آلمان غربی، فرانسه، انگلیس، کانادا و در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۰ کشورهای کره جنوبی، یونان و ترکیه پیمانی نظامی به نام ناتو^(۳) شکل گرفت و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی بوجود آمد که با ماهیت و قواره نظامی، کارکرد و هدف آن دفاع از پیرامون و پیشگیری از جنگی دیگر بود. نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در این زمینه



1- culture
2- North Atlantic Treaty Organization (NATO)



گفت: ما باید در رقابت با شوروی در دو جنبه پیروز شویم؛ اقتصاد و ایدئولوژی^(۴) (استیونر ساندرس، ۱)

۳- ناتوی فرهنگی: به تغییر رویکرد ناتو از کارکرد صرف نظامی به کارکرد دوگانه نظامی - فرهنگی، از زمان فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ اطلاق می‌شود. این اصطلاح توسط مقام معظم رهبری و در جمع دانشجویان و دانشگاهیان استان سمنان در تاریخ ۸۵/۸/۱۸ مطرح گردید.

ناتوی فرهنگی در واقع اتحادیه و کنسرسیومی نرم افزاری، رسانه‌ی از اعضای ناتو است که با بمباران افکار عمومی جامعه‌ی هدف، تغییر هویت فرهنگی (ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها، سمبل‌ها، و نمادها و ...) و سپس تغییر رژیم سیاسی آن جامعه را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسانهایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند. اعضای ناتوی فرهنگی با بهره‌مندی از ۵۷ سال تجربه نظامی گری، تأسیسات پایه‌ای هماهنگی را در حوزه رسانه‌ها شکل داده‌اند. در این مجموعه چهار خبرگزاری بین‌المللی، شبکه‌های خبری - مانند بی بی سی، سی.ان.ان. تأسیسات ماهواره‌ای که ارسال امواج صدها شبکه ماهواره‌ای را بر عهده دارند، صدها روزنامه و هزاران پایگاه خبری و تبلیغاتی را تغذیه می‌کنند. این تأسیسات ارزش‌های مشترک غربی را منتشر و تلاش می‌کنند تا ارزش‌های مقاوم در برابر خود را کم‌رنگ و از بین ببرند.

تبارشناسی موضوع

تفکر ناتوی فرهنگی به سال ۱۹۲۰ میلادی بر می‌گردد که فولر مورخ و تحلیل‌گر نظامی بریتانیایی امکان جایگزینی اقداماتی نظیر زایل کردن خرد انسانی، معشوش کردن هوش انسانی و مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی یک ملت به وسیله نفوذ در اراده آنها را، با وسایل سنتی جنگ ادعا کرد. در آن زمان، این ادعا توجه چندانی را به خود جلب نکرد. بیست



سال بعد که بریتانیایی ها درگیر تلاش گسترده‌ای در زمینه تبلیغات - نظیر آنچه فولر پیش بینی کرده بود - شدند، اصطلاح «جنگ سیاسی» را به کار بردند. (درآمدی براصلاحات، ۱۳)

از سال ۱۹۴۷ تا کنون مرکز اطلاعاتی آمریکا (سیا) برای مسلط شدن بر دنیا و کنترل افکار عمومی آمریکا و سایر نقاط جهان، اعمال روشها نوین و ارائه خدمات در پوشش ابزارها و تجهیزات مدرن و مدرن تر را در دستور کار خود دارد. این مرکز با گسترش فعالیت‌های خود به یک شبکه مخفی وسیع و پیچیده تبدیل شد. یکی از فعالیت های مهم سیا در کشورهای مختلف تأثیرگذاری و در اختیار گرفتن مطبوعات به خصوص روزنامه‌هاست که در این زمینه اولین اقدام سیا در کشورهای جهان سوم به عضویت درآوردن روزنامه ها در اتحادیه مطبوعاتی آمریکایی (یپا) تحت نفوذش بود. سازمان سیا با فرستادن مأموران خود تحت پوشش مأمور فنی و اخراج روزنامه نویسان و دادن تغییر در کمیت و کیفیت روزنامه‌ها، اخبار را طوری منعکس می کند که به هدف های بی‌اعتبار کردن دولت و ایجاد نفاق بین مردم کشور مورد نظر نایل آید. روش های سازمان سیا بر شیوه های روانی ایجاد هرج و مرج اجتماعی از طریق تأثیرگذاری بر افکار عمومی به وسیله مطبوعات و... هرج و مرج اقتصادی از طریق قطع کمک های خارجی، تحریم اقتصادی و جلوگیری از پیشرفت های علمی و فناوری استوار است. این سازمان درنهایت با ایجاد تور امنیتی برای عواملی وابسته در درون کشورها، تقصیر را به گردن دولت‌ها انداخته و رهبران را در نزد افکار عمومی بی‌اعتبار می کنند. (درآمدی براصلاحات، ۱۵-۱۳)

در اوج جنگ سرد از ۱۹۶۷ - ۱۹۵۰ طرحی محرمانه برای تبلیغات مسموم فرهنگی در اروپای غربی، توسط بازوی جاسوسی آمریکا، آژانس مرکزی اطلاعات سیا، به اجرا گذاشته شد و یکی از جنبه های اصلی این طرح پیشبرد این ادعا بود که این تبلیغات اصلاً وجود ندارد. بخش عمده این مبارزه فرهنگی^(۵) مخفی بر عهده، «کنگره آزادی فرهنگی» قرار داشت که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۷ توسط یکی از عاملان سیا به نام «مایکل یوسلسون» اداره می شد. دستاوردهای این انجمن که بسیار قابل توجه بود عبارتند از:

۱. ایجاد دفترهایی در ۳۵ کشور جهان.



۲. استخدام کارمندان بسیار.
 ۳. انتشار بیش از ۲۰ مجله پرآوازه.
 ۴. برگزاری نمایشگاه های هنری.
 ۵. ایجاد یک سرویس خبری و سینمایی.
 ۶. سازماندهی کنفرانس های بین المللی.
 ۷. اجراهای عمومی موسیقی و دادن جوایز به موسیقی دانان و هنرمندان.
- مأموریت انجمن یا «کنگره آزادی فرهنگی» سوق دادن دانشوران اروپای غربی به آرامی از مارکسیسم و کمونیسم به سوی دیدگاهی سازگارتر با روش آمریکایی بود. (اسیتونر ساندروس، ۳-۲)
- سازمان سیا برای انجام عملیات جنگ سرد فرهنگی در زمان ترومن ۳۴ میلیون دلار در سال در اختیار داشت. و در چارچوب این عملیات، شبکه مطبوعاتی جهان شمولی ایجاد کرد که از ایالات متحده تا لندن، اوگاندا و خاورمیانه و آمریکای لاتین گسترش داشت. به تعبیر خانم ساندروس، سیا در مقام «وزارت فرهنگ بلوک غرب» عمل می کرد. در هالیوود، مأموران سیا کارگردانان را ترغیب می کردند که در فیلم های خود سیاهپوستان را هرچه بیشتر نمایش دهند، آنان را آراسته و خوش لباس به تصویر کشند و از این طریق ایالات متحده را جامعه آزاد و دمکرات بنمایانند. (صبح صادق، ۴ و ۸۵/۸۲۹)
- از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ آمریکایی ها با کار فکری مداوم، سند شماره ی ۱۳۰ شورای امنیت ملی (N.S.C) را به تصویب رساندند. این سند با عنوان «سیاست اطلاعاتی و ارتباطی ریگان» در رأس اقدامات و برنامه ریزی های دهه های آینده سیا قرار گرفت. محورهای اساسی این سیاست عبارتند از:
۱. تجدید نظر و توسعه در ساختارهای اطلاعاتی، ارتباطی و میان فرهنگی؛ ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۸۰ اداره نفوذ راهبردی را تأسیس کرد تا افکار عمومی دنیا را با خود همسو کند. (سیمای ج. ۱، ۱۱/۱۲/۸۱)
 ۲. بازسازی و اصلاح شبکه های رادیو و تلویزیون به منظور دسترسی به مخاطبان مختلف جهانی؛ ایالات متحده آمریکا در تیرماه ۱۳۸۲ یک میلیارد دلار بودجه برای راه اندازی شبکه تلویزیونی در خاورمیانه به منظور حمایت از دوستان آمریکا در منطقه



تصویب کرد. (سیمای ج.ا.ا، تیرماه ۸۲) در همین راستا روزنامه صهیونیستی جروزالم پست از توافق رژیم اشغالگر قدس بامقامهای ارشد ناتو برای راه اندازی شبکه تلویزیونی برای آذری های ایران خبر داد و نوشت: "وزیر تهدیدات استراتژیک اسرائیل" در سفر هفته گذشته خود به اروپا بامقامات ارشد پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درباره ایجاد یک شبکه رادیو-تلویزیونی به منظور پخش برنامه هایی برای آذری های ایران به توافق رسیده‌اند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۸۶/۴/۱۲)

۳. تقویت تکنولوژی و ابزار جدید اطلاعاتی و ارتباطی به منظور نفوذ بیشتر در مناطق مختلف جهان.

۴. تحقیقات عمیق تر در سنجش افکار عمومی؛ نظرسنجی های مؤسسه «گالوپ» و مجموعه های وابسته به آن مانند «گرانپایه» در ایران که در همین راستا فعالیت داشت.

۵. استقرار و توسعه هرچه بیشتر ابزارها و شیوه‌های مؤثر جنگ روانی در بحران های بین‌المللی؛

۶. تولید و توزیع نشریات مختلف در حمایت از اصول و ارزش های آمریکایی و غرب، در مقطع کنونی نزدیک به ۹۰ شبکه خبری آمریکایی و ۲۰ خبرنگار آمریکایی در کشور ایران فعال هستند. (سیمای ج.ا.ا، ۸۱/۸/۲۱)

۷. برقراری ارتباط با نخبگان و عوامل مورد نظر؛ گری سیک - مشاور امنیت ملی کاخ سفید پس از سفری مخفیانه به ایران، به خبرنگاران می‌گوید:

چگونه خوشحال نباشم از این که در ایران موج تازه‌ای بر پا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را به هم پیچد و حکومتی نظیر حکومت ایران در دوران شاه و عربستان سعودی را روی کار آورد. من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشاره های ما را دنبال می‌کنند. (کپهان، ۸۱/۹/۲۰)

رامین جهاننگلو در شهریور ۱۳۸۵ در مصاحبه با خبرگزاری «ایسنا» طی اظهاراتی از جنس پشیمانی و افشاگری می‌گوید:

بنده به دلیل ارتباط با برخی نهادها و مؤسسات آمریکایی دستگیر شدم. ارتباط من با بیگانگان از سال ۷۷ آغاز شد که به کانادا و سپس به دانشگاه هاروارد رفتم. بعد از این که سه سال در دانشگاه تورنتو تدریس کردم، سازمانی که مجله دموکراسی در آن منتشر می‌شد، بوری را به بنده پیشنهاد کرد که آن



بورس را گرفتیم و به واشنگتن رفتیم. در مؤسسه NED که پول خود را از کنگره آمریکا می‌گیرد و بیشتر در جهت فروپاشی کمونیزم در اروپای شرقی تأسیس شده بود، مشغول به کار شدم و بعد هم از طریق این مؤسسه با نهادها و مراکز دیگر مرتبط شدم و در کنفرانسها شرکت می‌کردم و گزارش نهایی این جلسات را که بیشتر استراتژیک بود، به مسئولان آن مؤسسه می‌دادم. از طریق مسئولان مؤسسه با افرادی در وزارت خارجه آشنا شدم و کم‌کم در حلقه مأموران ویژه آمریکا و اسرائیل خود را یافتیم... به گذشته‌ها نگاه می‌کنم خود را یک قربانی می‌بینم. من فکر می‌کردم کار دانشگاهی انجام می‌دهم اما در حلقه‌ای قرار گرفته بودم که پول آن را سازمان های امنیتی می‌دادند و من اسم این مجموعه را امپراتوری می‌گذارم، بسیاری از مأموران امنیتی آمریکا و اسرائیل از عناصر دانشگاهی هستند و خود را زیر نقاب مراکز فرهنگی و آموزشی پنهان کرده‌اند. من در این دوران، بر خلاف میلیم رو در روی منافع ملی قرار گرفتیم، آمریکایی‌ها برای دستیابی به امپراتوری فرهنگی هزینه های بسیاری کرده اند و شعار آنها این است هر کسی که با ما نیست علیه ماست، آنها برنامه ها و هزینه های بسیاری را برای منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی تدارک دیده‌اند. (صبح صادق، ۸۵/۸/۲۹)

روزنامه جزروالم پست، در این زمینه خبر می‌دهد:

در نشست مقام های ارشد ناتو با وزیر تهدیدات استراتژیک رژیم صهیونیستی، بر سر راه اندازی پایگاه های اینترنتی برای پرداختن به موضوع دانشجویان باهدف انتقال و ارتباط پیام کشورهای غربی به آنان، به توافق رسیده‌اند. (همان)

پیام اصلی این سند القای این نکته است که با ارزش های امپراتوری بزرگ فرهنگی نمی‌توان درگیر شد و پایان تاریخ لیبرال - دموکراسی است. طرح نظریه های «پایان تاریخ و آخرین انسان فوکویاما» «موج سوم آلون تافلر» «دهکده جهانی» جورج اورول و مک لوهان «برخورد تمدن‌های» ساموئل هانتینگتون «جهانی شدن و جهانی سازی» رابرتسون، هابرماس و گیدنز و نظریه «عدالت جهان» راولز، پروژه ای برنامه ریزی شده را دنبال کردند. دست اندرکاران این پروژه که وابسته به حلقه نومحافظه کاران آمریکایی هستند «جهانی شمولی» و «جهانی سازی» را پروسه ای محتوم برای بشر امروزی معرفی کرده‌اند. (هلال، ۲۲۶-۲۷۵) هانتینگتون در این خصوص معتقد است، با توسعه

ارتباطات بین الملل، فرهنگ های ضعیف در فرهنگ های قوی تر ادغام می شود و در نهایت دو فرهنگ عظیم، فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی باقی خواهد ماند که رو در روی هم قرار می گیرند. او چنین القا می کند که تمدن غربی باید بیش از پیش انسجام خود را حفظ کند تا فائق آید. (امیری، ۲۰۲۳)

سخنان صریح دبیر کل ناتو مبنی بر این که ما نیازمند ناتویی هستیم که در رویارویی با مسائل جهانی واکنش نشان دهد و این گفته ی خانم مرکل صدر اعظم آلمان که: درمقابل حرکت اسلامی می بایست کار کرد ناتو را تغییر دهیم (کیهان، ۲۸/۵/۱۳۸۶) عملیاتی شدن نظریه های مذکور است. دبیر کل ناتو قدرت گرفتن جهان اسلام و گسترش آنرا در جهان، تهدیدی جدی برای غرب تلقی می کند و کارکرد نظامی را برای مقابله کافی نمی داند و وی و دیگر کارشناسان نظامی این سازمان بر این باورند که کارکرد فرهنگی ناتو در بدنه کشورهای اسلامی راحت تر و سریع تر نفوذ می کند. (مرتضویان، ۵) ناکارآمدی تیم نظامی ناتو در افغانستان و عراق و نیاز به تیم غیرنظامی در همین راستا قابل طرح است.

در چنین فضایی مقام معظم رهبری در ۸۵/۸/۱۸ با اشاره به مقاله های ناتوی فرهنگی را این گونه مطرح کردند:

باندهای بین المللی زر و زوری که برای تسلط بر منافع ملت ها، سازمان نظامی ناتو تشکیل داده بودند، اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهداف شان در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند تا با استفاده از امکانات زنجیره ای، متنوع و بسیار گسترده رسانه ای، سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملت ها را به دست بگیرند که باید هوشیارانه، این مسأله را زیر نظر داشت.

ماهیت ناتوی فرهنگی

گفته شد که قدرت های پیروز جنگ جهانی دوم اتحادی نظامی تشکیل دادند تا بتوانند در آرامش و به دور از درگیری از سفره فتوحات و پیروزیهای خود، بهره بیشتری ببرند و قدرت آینده را بهتر بین یکدیگر توزیع کنند. از سوی دیگر گوی سبقت را دمکراسی، در کنار جنبه نظامی و سخت افزاری، بتدریج وجه نرم افزاری سلطه را در قالب برنامه های



مدرنیته و توسعه به اکثر کشورهای جهان سوم صادر کردند. این نخبگان در دهه ۹۰ اعتراف کردند که در انتقال ادبیات مدرنیسم به این کشورها گزینشی عمل کرده‌اند و همه آنچه که اسباب توسعه و مدرنیته بوده را انتقال نداده‌اند هدف از این توسعه ناموزون، پیشگیری از بوجود آمدن رقبای جدید بود. خلق مفاهیمی چون نظم نوین جهانی، جهانی سازی، دموکراسی، حقوق بشر، خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه جدید و در مقطع کنونی کمربند سبز و مهم‌تر از همه ترور فرهنگی برای ایجاد شرایطی است که در آن شرایط جهان را بهتر اداره کنند. به این ترتیب کشورهای جهان سوم نه به دام سوسیالیسم افتاده و نه به رقیب تبدیل می‌شوند.

کریس هیپلزگری در اثر جنگ پست مدرن سخنان بوش پدر در ژانویه ۱۹۹۱ در جمع دانشجویان را که گفت: «این جنگ (جنگ اول عراق و آمریکا) به مثابه ستیز سیاهی با سپیدی است» به بی‌نظمی نوین جهانی تعبیر کرده و سپس از قول متفکر غربی «چایلدز» می‌گوید: «نظم نوین جهانی یعنی سهم غرب، صلح و سهم بقیه جهان جنگ است. (هیپلز، ۱۳۸۱)

با پروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م) و گسترش موج بیداری اسلامی، برنامه‌های لیبرال دموکراسی غرب به هم ریخت و گرفتار چالش جدی گردید. بحث‌های توسعه نیافتگی، و بحث‌های در قالب «مکتب وابستگی»^(۶) «مکتب نوسازی» با مدل خطی توسعه که ارمان مدرنیته غربی برای کشورهای جهان سوم بود، به طوری رونق گرفت. این پدیده، مدرنیته غربی را به چالش کشد. «بلوم استروم» در سال ۱۹۸۴ گفت: «مکتب وابستگی نمایانگر طنین آمارهایی است که از پیرامون (جهان سوم) به گوش می‌رسد و با سلطه فکری مکتب نوسازی آمریکایی به معارضة بر می‌خیزد.» (آلوین .وی .سو، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰-۱۱۷) این موج انتقادی گرچه اولین بار از حیاط خلوت آمریکا یعنی آمریکای لاتین در قالب طرح «کلا»^۲ آغاز شده بود، اما همین پدیده هم ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. دستاورد موج بیداری اسلامی و بازگشت به قالب‌های اصیل اسلامی و بهره‌گیری از نکات

۱- ر.ک. برایان کلایو اسمت، فهم جهان سوم؛ نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قانعی نجفی (تهران: دفتر مطالعات دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۸۰) صص ۲۵۷ - ۲۲۵
۲- آلوین وی. سو، صص ۱۲۰ - ۱۱۹

مثبت مدرنتیه غربی، شکل‌گیری پارادایم ثابت توسعه در ایران و به تبع آن در دیگر کشورهای اسلامی است. پارادایمی که می‌رود فناوری‌های پیشرفته و به روز نظیر فناوری هسته‌ای صلح آمیز، کشت سلول‌های بنیادی جنینی (ژنتیک) و ... را از انحصار غربی‌ها خارج کند. این روند غرب را در حوزه‌های اندیشه و عمل بیش از پیش به واکنش‌هایی واداشته است که مهمترین آن ثانوی فرهنگی است.

ماهیت ناتوی فرهنگی جدا و متفاوت از ناتو بارویکرد نظامی نیست و این پدیده در حقیقت یک مرحله بلوغ از همان ناتوی نظامی است، با این تفاوت که جنبه نظامی جزء کوچکی از حرکت نظام سلطه برای تضمین «آینده برای خود» در مقطع کنونی است. ناتو با ابزار ناتوی فرهنگی، مثل رسانه، به عنوان یک سرباز می‌نگرد و مدیریت ناتوی فرهنگی در سطح کلان به کل ارکان نظامی به عنوان یک لشگر از نیروی نبرد نگاه می‌کند که هر از چند گاهی در نقاط مختلف دنیا آتش جنگ به پا می‌کند. اما هزاران سرباز فرهنگی با تنوع و پیچیدگی خاص خود با اندیشه مقاوم در مقابل نظام سلطه این لشگر نظامی را پشتیبانی می‌کند.

بدین ترتیب می‌توان ماهیت ناتوی فرهنگی را که نظام سلطه در میدان نبرد برای «تضمین آینده برای خود» به کار گرفته مشتکل از اجزائی به شرح زیر دانست:
(خواجه پور، ص ۱۲)

۱- هجوم فرهنگی: این پدیده وجه غالب ماهیت نظام سلطه را دارد. این وجه ماهیتی ضد فرهنگی دارد. و اساس آن بر تخریب پایه‌ها و بنیان فرهنگی و ایدئولوژی کشورهای مقاوم در مقابل این نظام سلطه بنا شده. این بخش به کمک ابزارهایی نظیر تخریب روند بیداری جهان اسلام، دامن زدن به اختلاف شیعه و سنی، ترویج فساد و ابتذال اخلاقی، تبلیغ و ترویج عرفان‌های انحرافی و مسلک‌های منحط و استعمار ساخته و تخریب باورهای ملی و دینی، تخریب شخصیت‌ها و نیروهای مخالف، ایجاد اختلاف بنیانی بین مسئولین در کشورهای هدف و... می‌باشد.

۲- هجوم اقتصادی: این اقدام، وجه مقوم ناتوی فرهنگی است که به دو گونه صورت می‌گیرد و یکی چپاول و غارت ثروت ملل و دیگری ایجاد نوعی وابستگی و تضعیف و مانع شدن از رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم است. در نبرد ناتوی فرهنگی





اقداماتی نظیر تحریم‌ها حکم مقوم کاتالیزور برای تسهیل هجمه‌های فرهنگی و تخریب ایدئولوژها را دارد. مصوبه کنگره آمریکا مبنی بر تحریم شکست‌های آمریکایی و اروپایی که بیش از بیست میلیون دلار با شرکت‌های نفت و گاز ایران، قرار داد منعقد کنند، در چهاردهم مرداد ماه ۸۶ و تصویب دو قطعنامه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت در این راستا قابل تحلیل است. «کیهان، ۸۵، ۱۵/۵/۸۵» نظام سلطه امیدوار است، ملتی که به بحران اقتصادی و فقر مادی دچار شود، زودتر به مهلکه فقر فرهنگی وارد می‌شود و در این صورت ارزش‌های غربی و فرهنگ لیبرالی نتیجه می‌دهد.

۱- هجوم نظامی: این وجه زمینه ساز در میدان نبرد ناتوی فرهنگی است. با این اقدام برنامه اصلی که تخریب فرهنگ است، عملی می‌شود. تهدید مکرر جمهوری اسلامی ایران به حمله نظامی در چند ساله اخیر در این راستا قابل توجیه است.

۲- جنگ روانی: این اقدام تسریع کننده برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی و در مواردی هم نظامی، عمل می‌کند. به کار گرفتن تاکتیک‌های بحران سازی مصنوعی در قبال جمهوری اسلامی ایران که نمونه‌هایی از جنگ روانی است به عنوان کاتالیزور ناتوی فرهنگی عمل می‌کند. (فاکس نیوز، ۸۶/۵/۱۵) بنابر این ناتوی فرهنگی با ماهیتی چند وجهی یک طرح حساب شده برای حفظ برتری و استیلاء بر جهان در مقابل قدرت روز افزون بیداری اسلامی است. این استیلاء شامل سیاست، به معنی برتری فرهنگی، برتری نظامی و نیز برتری اقتصادی است. (بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، ۱۳۸۲) اما این سیاست در پوشش مضامینی بلند و باپرستیژ بشر دوستانه و ... دنبال می‌شود. چنانچه در گذشته روزولت گفت: ما در این مورد که آیا نقش بزرگی در جهان به عهده بگیریم یا نه، حق انتخاب نداریم. این نقش به وسیله سرنوشت و مسیر حوادث بر ما مقدر شده است ما مجبوریم چنین نقشی را بر عهده بگیریم، تنها تضمینی که در این زمینه می‌توانیم بگیریم این است که آیا می‌خواهیم این نقش را به خوبی ایفا کنیم یا باسستی. (دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ۶۷)

زمینه های ناتوی فرهنگی

زمینه‌های تغییر رویکرد آمریکا به ناتوی فرهنگی و تغییر موضع از حمله به دفاع را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

الف - کارآمدی اسلام در تقابل با هژمونی غرب که شاخصه های چالشها و بحران های غرب عبارتند از:

۱. حاکمیت هفتاد درصدی مجاهدین در مجلس افغانستان.
 ۲. حاکمیت اصولگرایان در ایران.
 ۳. پافشاری ایران در مسأله انرژی صلح آمیز هسته‌ای و ورودش به مرحله صنعتی غنی سازی.
 ۴. حاکمیت ائتلاف شیعی و اصولگرای عراق.
 ۵. رأی مردم فلسطین به جنبش اسلامی حماس.
 ۶. پیروزی حزب ا... بر اسرائیل و حامیان او.
 ۷. پیروزی شیعیان در انتخابات مجلس در بحرین.
- ب - موفقیت رویکرد فرهنگی در فروپاشی یوگسلاوی سابق و اتحاد جماهیر شوروی.

پ - موفقیت کودتاهاى نرم تحت پوشش انقلاب‌های مخملی در کشورهایی چون گرجستان و اوکراین.

ت - تناقضات و ناکارآمدی لیبرال دمکراسی: دمکراسی غرب را گفتار پارادوکسی جدی در مناطق مختلف جهان بویژه جهان اسلام کرده است.

با توجه به این زمینه ها، غرب با تشکیل ناتوی فرهنگی به مبارزه جدی با فرهنگ‌های مغایر با فرهنگ آمریکایی و غربی پرداخته اند که برای موفقیت خود از تمام ابزارهای رسانه‌ای، ماهواره‌ای و تبلیغی و... استفاده می‌کنند. تا با مدل اندلسی - که بدترین مدل مهندسی فرهنگی برای جهان اسلام است - مبانی و ارزش‌ها را سست کنند.

اهداف ناتوی فرهنگی

با توجه به آنچه بیان شد اهداف ناتوی فرهنگی را در موارد زیر می‌توان ذکر کرد:

۱. نابودی هویت ملی جوامع بشری: با تخریب باورهای ملی و دینی و زیر سؤال بردن ارزش‌های معنوی این هدف را دنبال می‌کنند. ([web://www.leader.ir](http://www.leader.ir)) روزنامه لس آنجلس تایمز با انتشار تحلیلی در باره جنگ رسانه‌ای آمریکا با ایران ضمن اعتراف به این





واقعیت که آمریکا به جای تخریب ایران به ترور فرهنگی خود اقدام کرده است، نوشت که: فیلم ۳۰۰ نمونه‌ای از تهاجم رسانه‌ای آمریکا به ایران بود. ساخت این فیلم جنجال بر انگیز به سفارش عوامل پشت پرده سینمای هالیوود انجام شده بود و نمایش آن در ماه مارس ۲۰۰۷ باعث واکنش گسترده دولت و مردم ایران در سراسر جهان شد. این فیلم با روشی غیر حرفه‌ای نشان داده که صاحبان قدرت در آمریکا قصد تخریب فرهنگ ایران را از طریق تبلیغات رسانه‌ای و فیلمهای هالیوودی خود دارند. غافل از این که برای برد در این میدان نباید خیلی هم «رو» بازی کرد و همه برگهای برنده را به حریف نشان داد. این روزنامه در ادامه نوشت: با وجود تلاش‌های نظامی و سوء استفاده‌های علنی آمریکا از نفوذ و قدرت سیاسی و تسلیحاتی اش در در دنیا و به خصوص در سالهای اخیر، نتایج بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که مقامات کاخ سفید نتوانسته‌اند آن طور که انتظار داشتند در خاورمیانه نفوذ کنند و اینک همچون گذشته از ابزار فرهنگی و رسانه‌ای و به راه انداختن جنگ سرد برای به بار نشستن اهداف خود استفاده می‌کنند. (کیهان، ۱۴/۵/۸۶، ۱۴)

۲. به دست گرفتن سر رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای هدف: با تیره و تار نشان دادن چهره این نظامها این هدف را پی گیری می‌کنند. (همان)

۳. مجبور کردن ملتها به پذیرش فرهنگ مبتذل دول استعماری تا هویت جهانی را بر پایه اندیشه سکولار شکل دهند. غرب برای مقابله با اردوگاه کمونیسم، امپریالیسم لیبرال، جنگ سرد و پیمان نظامی ناتو را تدارک دید و برای مقابله با موج بیداری در جهان اسلام در پی تشکیل «ناتوی فرهنگی» است تا با استفاده از این انسجام امکانات فرهنگی مانع بیداری ملتها گردد و بدین وسیله سررشته امور را بدست گیرد. (همان)

۴. سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی: آمریکا با تجمیع ظرفیتهای فرهنگی، تلاش می‌کند غرب را با خود به صورت یکپارچه متحد نگهدارد و از واگرایی اروپا، ژاپن و کشورهای طرفدار غرب در منطقه جلوگیری کند. به عبارت دیگر تمامی فرهنگها به صورت سلسله مراتبی در زیر مجموعه‌ای از فرهنگ غرب قرار گیرند. (امیری، ۱۳۷۴)

۵. جلوگیری از ایجاد تمدن اسلامی: با ایجاد چند دستگی: تقابل و تضارب و در نهایت جنگ بین قوای اسلامی به جای ایده انگلیسی «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، ایده «تفرقه بیانداز و نابود کن» را به طور جدی دنبال می‌کنند.^(۴)

شیوه‌ها:

شیوه‌هایی که در ناتوی فرهنگی برای اسارت ملت‌ها به کار گرفته می‌شود، بسیار متنوع و گوناگون است. شیوه‌هایی که برای بمباران عقبه‌ی ملت‌ها - یعنی فرهنگ - به کار گرفته می‌شود عبارتند از:

۱. اشاعه و توسعه وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی: با حدود ۵۷ سال سابقه تشکیلاتی نظامی گری، تأسیساتی را در حوزه رسانه‌ها به خدمت گرفته‌اند که مرزهای خصوصی مردم نادیده گرفته می‌شود. با این وسایل هر هدفی به راحتی اجرا است. این امر برای کشورهای صاحب تکنولوژی سهل الوصول تر است.

۲. تبلیغ فرهنگ غرب به عنوان ابر فرهنگ: با ارائه معیارهای ابر فرهنگ از قبیل رفاه مادی، مصرف گرایی، بهره جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و ... به منظور یکپارچه سازی فرهنگی و همگون سازی ایدئولوژیک را در میان جوامع مختلف دنبال می‌کنند. این شیوه به گونه‌ای اعمال می‌شود که ملت‌ها با اراده خود به این وادی کشانده می‌شوند و همان گونه عمل می‌کنند که آنها می‌خواهند. هربرت اسپنسر انگلیسی در این خصوص تجویز کرده بود که: «زبان، فرهنگ و آداب و رسوم خود را به ملت‌های جهان سوم و مورد هجوم بیاموزید، از آن پس تا به ابد از آن شما خواهند بود.» (مصباح، ۴۴)

امه سِزِر مردم شناس معاصر آفریقایی در این مورد این گونه اظهار نظر می‌کند: فرهنگ صفات ذاتی جامعه و چگونه بودن آن است، اگر فرهنگ را از یک ملت بگیرند آن نسل را فقیر نکردند، بلکه او را مسخ کردند، لذا هرگاه فرهنگ را از یک انسان با فرهنگ و دارای ثروت انسانی گرفتند، او همچون مجسمه درآمده و رنگ می‌پذیرد، هر لباسی که بخواهد به سادگی تنش می‌کنند، آدم چنین



۱- در سال ۱۹۸۳ مقامات عالی رتبه سیا کنفرانسی تشکیل دادند. در این کنفرانس سرویس‌های جاسوسی انگلیس نیز شرکت داشتند. در این نشست تصمیم گرفته شد که اسلام شیعه شناخته شود و پروژه ای برای نابودی آن پیش بینی شود. ر.ک. مصاحبه دکتر میخائیل برانت درباره کتاب طرحی برای تقسیم و نابودی مکاتب الهی، با مجله خبری ویکتوری (سیدنی استرالیا)، جولای، ۲۰۰۱



بی‌فرهنگ، تنها معرفی انفعال‌پذیری است. ابزاری به فرمان دشمن و بیگانه که به هر شکلی درمی‌آید. (عزتی، ۳۴۵)

در ناتوی فرهنگی با استفاده از ویژگی‌های انتقال‌پذیری^۱، اکتسابی، همگانی و عامل کنترل و نظم اجتماعی فرهنگ، فرهنگ‌پذیری را در شرایط استعماری (فرهنگ‌زدایی) دنبال می‌کنند. (ستوده، ۲۲ - ۲۱) در چنین وضعیتی فرهنگ جامعه جنبه‌ی آسیب‌شناختی به خود می‌گیرد و ارزشها را از بین می‌برد. در نتیجه افراد این جامعه از زندگی لذت نمی‌برند و فاقد هنجارهای قابل استناد برای رفتارهای خویش می‌گردند. سوق دادن ملت‌های جهان برای یادگیری یک زبان واحد، به گونه‌ای که پس از یک نسل زبان مادری خود را فراموش کنند، از جمله این اقدامات است.

۳. تحقیر ملت‌ها: استعمار قدیم ملت‌ها را به نژاد فرهنگ‌آفرین (اروپایی)، فرهنگ‌آموز (آسیایی) و مخرب فرهنگی (آفریقایی) تقسیم می‌کردند، اما امروزه به ملت‌های با فرهنگ عقب مانده و ملت‌ها دارای آبر فرهنگ دسته بندی می‌کنند. آنها این نگاه را در محصولات رسانه‌ای خود به اشکال مختلف نمایان می‌سازند. در این مورد غربیها حتی به یکدیگر هم پرداختند. آمریکایی‌ها وقتی اروپایی‌ها را به پیری و فرتوتی توصیف کردند در مقابل اروپایی‌ها هم آمریکایی‌ها را با عبارت «زیربوته سبز شده‌ها» سرزنش و تحقیر کردند. غربی‌ها با القای مواردی چون مغز جمجمه‌های آنها با دیگران تفاوت دارد، لذا آنها انسان‌های برترند و بقیه انسان عقب افتاده، سعی می‌کنند به دیگران دیکته کنند که «شما نمی‌توانید»، «شما بی‌فرهنگ هستید.» (کمالی پور و...، ۱۷۹-۱۷۳)

۴. اشاعه افکار مخرب: در این جنگ نامرئی به جای تانک‌ها، موشک‌ها و... افکار مخرب در قالبها و بسته‌های رنگین و بسیار جذاب ارائه می‌شود و مغزهای بی‌سرپناه کشورهای در حال توسعه هدف قرار می‌گیرد.

برای نمونه با جنگ طلب و عاری از عقل و اندیشه و... معرفی کردن اسلام در پی نابودی فرهنگها و ایدئولوژی‌های رقیب هستند. غربیها حتی پاپ بند یک شانزدهم را واداشتند که چنین اظهار نظر کند: «پیامبر اسلام برای جهان فقط شرارت و اعمال

غیرانسانی به ارمغان آورده است و از جمله دستور داده که دین را با زبان شمشیر گسترش دهند.» (مظفری، ۵-۲)

۵. استفاده از تمامی ساز و کارهای علمی مانند کرسی های علمی؛ مجامع بین المللی (NPT)، تغییر گروههای مرجع اجتماعی با چهره سازی ها، معرفی آنان به عنوان نماد یک فرد پیشرفته، برای مثال با شکار نخبگان و روشنفکران جهان اسلام، ظرفیتهای و گرایشهای آنها را میسجد و در یک برنامه جهانی آنها را به عنوان برتر، ممتاز به کل جهان معرفی کرده و وانمود می کند که آن افراد نماینده کشور خودشان هستند. پس از آن با موج سازی رسانه ای در قالب مصاحبه های متعدد در شبکه های رادیو و تلویزیونی، مطبوعاتی و اینترنتی از همان شخص علیه فرهنگ و مقدسات ملتش استفاده می کنند. به گونه ای که تعریف خود را از فرهنگ، ارزشها از طریق اینها به ملتها دیکته می کنند. ارائه مدل خطی توسعه از سوی مکتب مدرنیزاسیون و تزه های پایان تاریخ و آخرین انسان و ایجاد محدودیت هایی چون تحریم ایران در فناوری هسته ای نمونه هایی از این اقدامات است. (گی روشه، ۱۸۲-۱۶۵)

۶. تضعیف ایمان مردم و جدایی جوانان از اعتقادات دینی: مقام معظم رهبری در دیدار نظامی ها در ۸۵/۱/۲۰ با ایشان فرمودند: "تفاوت عمده ما با دشمن در معنویت و اعتقادات است. در این زمینه زیاد باید کار شود" ناتوی فرهنگی این نقطه قوت را می خواهد تضعیف کند.

ابزارهای ناتوی فرهنگی

پیش تر گفته شد که یکی از محورهای اساسی استراتژی اطلاعاتی و ارتباطی آمریکا استفاده از تجهیزات امکانات پیشرفته ارتباطاتی و رسانه ای برای نفوذ بیشتر در مناطق مختلف جهان و دسترسی به مخاطبان جهانی است، در این راستا ابزارهایی چون ماهواره، سایتهای اینترنتی، سی دی ها، فیلم ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، بازی های رایانه ای، مدل های پوششی، کتاب ها، تغییر دروس دانشگاهها. تأسیس دانشگاه فرهنگی در عراق توسط آمریکایی ها، تهیه متون درسی برای مردم افغانستان، تغییر متون درسی در بعضی کشورهای عربی و ... پاول وزیر خارجه سابق آمریکا در این خصوص اعلام کرد ما





می‌خواهیم اسلام واقعی را در سطوح مختلف آموزش و پرورش کشورهای اسلامی آموزش دهیم، آیات مربوط به جهاد و مبارزه با ظلم باید از کتابهای درسی حذف شود. (سیمای ج.ا.ا، اخبار سراسری، ۸۲/۱۱/۲)، فعالیت‌های هنری پایگاههای خبری، ترویج مذاهب الحادی و فرقه‌گرایی، گروه‌گرایی، ایجاد NGO، اجرای برنامه‌ها در قالب متن دینی، قرصهای شادی آور، مشروبات الکلی، ترسیم کاریکاتورهای توهین آمیز به ساحت مقدس پیامبر اعظم (ص) و ... در خدمت ناتوی فرهنگی است. (ضیایی، ۱۳۸۳: کمالی پور و ...، ۱۳۸۶)

راهکارهای مقابله

برای مقابله با ناتوی فرهنگی، با توجه به این که کار کردش از جنس فرهنگی است باید راهکارهای متناسب با آن اتخاذ شود. از آنجا که ناتوی فرهنگی در مقطع کنونی متوجه جهان اسلام است، مقام معظم رهبری نیز همواره وحدت جهان اسلام را گوشزد نموده و امسال را هم سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیدند. در همین راستا راهکارهای مقابله با ناتوی فرهنگی نیز بایستی با مجوز قرار گرفتن این استراتژی طراحی و اجرا شود. از جمله این راهکارها می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. ایجاد این باور که ناتوی فرهنگی وجود دارد: سالها طول کشید تا برخی دولت مردان ما باور کنند چیزی به نام «شبیخون فرهنگی» که از سوی مقام معظم رهبری عنوان شده وجود دارد. این باور بسیار مهم است و هم اکنون این فهم در بدنه فرهنگی و دانشگاهی ما کمتر وجود دارد.

۲. پرهیز از برخورد انفعالی: پیرایش چهره فرهنگی کشور از مظاهر تمدنی غربی باید فعالانه دنبال شود. باید اتاق فکری ایجاد کرد. با تشکیل شورای فرهنگی و راهبردی (هم اندیشی) مبانی نظری مقابله را می‌توان ترسیم کرد و سپس با تبدیل آن به سیاستگذاری و پروژه به اجرا گذاشت. در مرحله اجرا نیز حمایت و نظارت ضروری است.

۳. نظریه پردازی در خصوص فرهنگ ایرانی و اسلامی: باید مشخص شود که موجودی چیست. باید نظریه پردازان در این عرصه وارد شوند و محصول کار آنها توسط مجریان عملیاتی شود. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «باید تولید نظریه



و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود.^۱ در مناسبتی دیگر تأکید دارند که: ایرانی ها ملتی کاملاً با استعدادند و همان گونه که در عرصه های علمی نشان داده اند از توانایی دست یابی به قله های رفیع دانش برخوردارند و همین واقعیت می تواند پایه توسعه ی تحقیقی کشور قرار گیرد... (جوانی، ۸۳)

۴. شناخت مبانی نظری ناتوی فرهنگی به منظور ترسیم هر چه بهتر راهکارهای مقابله: در بسیاری موارد می توان از همان شیوه ها، ابزارها، ... که ناتوی فرهنگی استفاده می کند، وارد عمل شد و مقابله کرد.

۵. ایجاد عزم همگانی و بسیج فرهنگی: دستگاههای فرهنگی کشور باید این فضا را بوجود آورند. این انسجام فرهنگی مسبوق به اراده ملتها و بیداری آنها است. برای تجمیع ظرفیتهای فرهنگی، تشکیل اوپک فرهنگی ضروری است. این پدیده زمینه های وحدت ملی اسلامی را فراهم می کند.

۶. توسعه همراه با توجه به موضوعات انسانی و اجتماعی و مبتنی بر آموزه های دینی: توسعه ای مطلوب است که موزون باشد. توسعه ناموزون همواره مشکل ساز بوده و زمینه نفوذ غرب را فراهم کرده است. همان طور که در برنامه چهارم توسعه آمده باید به محورهای توسعه فرهنگی نظیر اعتلای معرفت و بصیرت دینی، تقویت فضایل اخلاقی و روحیه ایثار شهادت طلبی و تقویت وحدت ملی در سابه قرآن و اهل بیت توجه جدی شود. باید الگوهای ملی و دینی در توسعه ملاک عمل قرار گیرد. باید فضایی فراهم شود که هیچ فردی در کشور نتواند بر خلاف هویت و منافع ملی حرکت کند. (بیانات مقام معظم رهبری در

۱- مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.

عبد الستار دو شوکی مقاله نویس سایت های اپوزیسیون خارج نشین در مقاله ای آورده است: «آمریکا برای تبلیغ و تحریک ایجاد ناآرامی های اجتماعی در ایران بودجه جدید و فوق العاده ای را به پایگاههای خبری اپوزیسیون اختصاص داده است.»

وی افزوده: دهها پایگاه خبری این روزها در حال اتمام بودجه سالیانه خود هستند و اخیراً نیز بودجه ویژه ای برای انجام برخی مأموریتها در مورد ایجاد ناآرامی در ایران به آنها تعلق گرفته است. وی نوشت: امروز اختلافات بسیاری بین اپوزیسیون قدیمی و تازه به فرهنگ رسیده ها وجود دارد ولی تلویزیون صدای آمریکا و رادیو فردا سعی دارند این اختلافات را از بین ببرند و این دو مؤسسه با بودجه سالیانه بیش از صد میلیون دلار و استخدام افراد شناخته شده ای که در هر شرایط آماده اند برای دلار

کار کننده منویات خود را دنبال می کنند (روزنامه جمهوری اسلامی ۸۶/۵/۴ ص ۲)



جمع خانواده‌ها شهیدای مشهد، صبح صادق، ۸۶/۲/۳۱ ص ۲) چرا که تنها راه پیشرفت، الگوی اسلامی - ایرانی است. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، کیهان، ۸۶/۲/۲۶ ص ۳)

۷. مهندسی فرهنگی کشور: مهندسی فرهنگی عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ، مهندسی فرهنگی باید با مبانی دینی، رفتار و زبانی، ملی، فرهنگ کلان، خرده فرهنگ‌ها، مقتضیات داخلی و بین‌المللی مواجه گردد. برای این منظور مراحل شناخت عمیق مبانی، توانایی‌ها، پتانسیل‌ها، پاتولوژی فرهنگی و تحریف مفاهیم اصلی و اصول مدیریتی شامل شناخت دستگاه‌های فرهنگی، لزوم تغییر و تحول در دستگاه‌های فرهنگی و افزایش بودجه دستگاه‌های فرهنگی پیموده شود. مقام معظم رهبری در این خصوص بر توجه به تمام لایه‌های فرهنگی کشور - همچون لایه‌های دینی، ملی - و جهانی و تمامی سطوح فرهنگی کشور یعنی سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ارزشی و اولویت دادن لایه دینی بر دیگر لایه‌های فرهنگی کشور تأکید دارند. (شمینی، ۴۳ - ۴۱) معظم له در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایشان در ۸/۱۰/۸۳ فرمودند:

یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی و عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و کیفیت بخش که اسمش فرهنگ است و در درون انسانها و جامعه بوجود می‌آید؛ چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقص چیست؟ چگونه باید رفع شود؟ کندی و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که این موارد را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد.»

بالا بردن تحمل در جهان اسلام

برای این منظور باید:

۱- سطح آزادی برخوردها کاهش داده شود: برخورد کردن با افراطی‌ها و تندروها به این امر کمک می‌کند. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «کسانی که در صدد ایجاد اختلاف هستند، نه شیعه هستند نه سنی ... در دوران معاصر استعمار از جهالت‌ها و تعصیبه‌ها و کج فهمی‌ها برای ایجاد اختلافات حداکثر استفاده را کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این حرکت استعماری شدت گرفت. (کیهان، ۸۵/۱۰/۲۶ ص ۲) دکتر «میخائیل برانت» از کارکنان رده بالای سازمان سیا در دوره ریاست «وود واردز» در

مصاحبه خود درباره کتاب «طرحی برای تقسیم و نابودی مکاتب الهی» از طرحهای سری و حقایق روشنگرانه پرده بر می‌دارد: در سال ۱۹۸۳ مقامات عالی رتبه سیا کنفرانسی تشکیل دادند. در این کنفرانس سرویسهای جاسوسی انگلیس نیز شرکت داشتند. در این نشست تصمیم گرفته شد که اسلام شیعه شناخته شود و پروژه‌ای برای نابودی آن پیش بینی شود. در مراحل مطالعات اولیه به این مسأله نیز پرداخته شد که چگونه می‌توان اختلافات موجود بین دو مذهب بزرگ شیعه و سنی را بزرگ کرد؟ در نتیجه این پروژه آمده که تاکتیک قدیم انگلیس مبنی بر «تفرقه بیانداز و حکومت کن» که موفق آمیز نبود در نتیجه باید «تفرقه بیانداز و نابود کن» را در پیش بگیریم.^(۱۰)

نقطه مقابل این طرح سازمان سیا، این توصیه مقام معظم رهبری است که فرمودند هوشیاری علما و ارشاد مردم، گرفتار نشدن در دام وسوسه دشمن و کمک دولتهای اسلامی، زمینه ساز وحدت دنیای اسلام است (کیهان، ۸۵/۱۰/۲۶، ص ۲)

۲- همان طور که استکبار جهانی به این نتیجه رسیده که ظرفیتهای فرهنگی خود را علیه اسلام تجمیع کند، جهان اسلام، نقطه مقابل آن با تجمیع ظرفیتهای و ساز و کارهای فرهنگی بایستی سطحی نگری‌ها را کنار بگذارد و مسلمانان کنار هم در مقابل استکبار قرار گیرند. جهان اسلام باید دامنه محیط فرهنگی را مهندسی و مدیریت کند و ضعفهای احتمالی آن را با عناصر و مؤلفه‌های حیات بخش اسلام تقویت کند و از نفوذ جریان مخرب فرهنگی جلوگیری نماید.

۸- صبر و مقاومت پایداری: در تهاجم و شیبخون فرهنگی چون بیشتر از عوامل داخلی استفاده ابزاری می‌شود، مخفی‌تر و پیچیده‌تر است، بصیرت و شناخت بالایی نیاز دارد. برای مثال در پوشش یک سمینار علمی به طور رسمی ارزشهای دینی را مردود می‌شمردند که شناخت آن کار مشکلی است. اما در ناتوی فرهنگی چون دشمن مشخص است و مورد هجوم افکار عمومی قرار گرفته، بیشتر حالت دفاعی دارد. از آنجا که در ناتوی فرهنگی دشمن به نحو گسترده‌تر و بیشتری به میدان می‌آید، مقاومت و صبر ضروری است. در ناتوی فرهنگی میدان مبارزه سهل‌تر از میدان تهاجم فرهنگی و شیبخون





فرهنگی است. شاید یکی از دلایل آن آشکار شدن ضعف در رویارویی با فرهنگ غنی اسلام و فشار افکار عمومی در جهان اسلام است.

۹. پرهیز از خرافه گرایی، عرفان و تصوف تحذیری، اباحی گری و لاقیدی، ساده اندیشی و سطحی نگری، خود کم بینی و خود باختگی، دهن بینی شایعه پذیری و تقلید گرایی کورکورانه. (سعیدی، ۱۳۵ - ۱۳۴)

به هر حال ناتوی فرهنگی پس از ناکام شدن ناتوی نظامی وارد عمل شده است و کشورهای مختلف بویژه جهان اسلام خواه ناخواه در معرض تهدیدات این جنگ نامرئی ایدئولوژیک فرهنگی هستند. باید خود را شناخت و توانایی ها و قابلیت های خود را در این راه به کار گرفت، عرصه فرهنگ را بر روی هر نامحرمی باز نگذاشت. روشهای مقابله با این پدیده را با اتحاد و همدلی و برپایی گفتمان جهانی انقلاب اسلامی استوار ساخته به اجرا گذاشت. چهره فرهنگی کشور را از عناصر بیگانه پیراسته و زدود. این میدان به سربازان پا به رکاب نیاز دارد نسل سوم انقلاب می تواند سربازان حقیقی این کارزار فرهنگی محسوب شوند. این نسل باید از مرز انگاره سازی رسانه ای غرب که تصویری غیر واقعی از واقعیات ارائه می کنند، بگذرد. مخاطبان را جذب و رسالت رسانه ای خویش را نیز انجام دهد.

در این میدان که معبری حرفه ای است، با ناملایمات، بد اخلاقی ها و کج سلیقگی های پیش رو نباید از صحنه بیرون رفت و با تمام توان به راه ادامه داد. تصمیم برای در راه خدا بودن و در راه خدا قلم زدن بی تردید برکاتی دارد که با حرکت منسجم و آگاهانه همراه انسان می شود. باید گوش به فرمان رهبر بود، باید به توصیه مقام معظم رهبری در این خصوص عمل کرد. باید کادر سازی کرد. و نیروهای متعهد و تازه نفس را هر روز در این جهاد رسانه ای توسعه داد.

جمع بندی و نتیجه

با دو قطبی شدن نظام بین الملل در سال ۱۹۴۹ ناتوی نظامی با حضور کشورهای بلوک غرب به رهبری ایالات متحده برای مقابله با نفوذ کمونیسم شکل گرفت. اما متغیر اصلی فروپاشی شوروی و امپراطوری بلوک شرق (پیمان نظامی ورشو)، جنگ سرد فرهنگی بود.

در این جنگ با استفاده از تکنولوژی های برتر و رسانه، صرف هزینه های بسیار سنگین، بر دانش و پیش و رفتار مردم، نخبگان فکری و ابزاری بلوک شرق را از صحنه رقابت حذف کردند.

با فروپاشی بلوک شرق، آمریکایی ها برای حفظ انسجام تمدن غربی و غلبه بر موج واگرایی اروپایی ها و ژاپن از ایالات متحده آمریکا، با طرح نظریه هایی چون «پایان تاریخ»، «عصر پایان ایدئولوژی ها»، «رویاری تمدن ها» و «جهانی سازی» اسلام را جایگزین رقیب دوران جنگ سرد خود - یعنی کمونیسم - قرار دادند. آنان با این بستر سازی های تئوریک، جنگ سرد دیگری را آغاز کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی و بازتاب آن در بین ملت ها، غربی ها به این نکته اساسی رسیدند که اسلام برخلاف کمونیسم با فطرت انسانها هماهنگ است و قابلیت بسیج افکار عمومی علیه نظام سلطه غرب را دارد و رقیبی جدی است. ابتدا با رویکردی که جنبه نظامی آن غلبه داشت، طرح هجوم نظامی به نوزده کشور اسلامی و کره شمالی را تبلیغاتی کردند، در این راستا هجوم نظامی به اهداف آسان تر یعنی افغانستان و عراق را عملیاتی کردند. اما با گرفتار شدن در باتلاق خود ساخته و کم آوردن در زمینه های فرهنگی، رویکرد صرف نظامی را به رویکردی که جنبه فرهنگی آن غلبه دارد تغییر داده و با ایجاد ناتوی فرهنگی، اقدامات غیرانسانی خود را به منظور استحاله فرهنگ دینی و ملی با به کار بستن شیوه‌هایی چون ترویج خرافات، عرفان و تصوف تخدیری اباحی گری و لاقیدی، تشدید تمایلات و گرایشات قومی و نژادی و با بستر سازی در مواردی چون خرافه گرایی و بدعت پذیری، مصرف زدگی و تجمل گرایی، ساده اندیشی و سطحی نگری، خود کم بینی و خود باختگی، دهن بینی و شایعه پذیری، تقلید گرایی کورکورانه، قوم گرایی و نژاد پرستی، سازمان داده است. در یک کلام ناتوی فرهنگی با شعار تفرقه بینداز و نابود کن، قصد خشکانیدن ریشه فرهنگ دینی و ملی جوامع بشری بویژه جهان اسلام را به طور جدی دنبال می کند تا به فرموده مقام معظم رهبری سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملتها را به دست گیرد.

برای مقابله با این رویکرد نظام سلطه، جهان اسلام هوشیارانه باید همه عواملی را که برآیندشان اتحاد ملی انسجام اسلامی است به کارگیرد. و اجازه ندهد تا تهدید بیرونی



بر نقاط ضعف درونی متمرکز شود. در این راستا خدا محوری، خود باوری و اعتماد به نفس و ایجاد پیوند مستحکم میان اعتقاد، احکام و اخلاق چاره ساز خواهد بود. (انفال، ۶۶-۶۵؛ احزاب، ۹)

امیرالمؤمنین علی^(ع) فرمودند: مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ عُدَّ مِنْهُمْ. کسی که خود را همانند قومی کند در شمار آنان درآمده است. (مستدرک الوسائل، ۱۷، ۴۴)

منابع

الف - کتب

- آلوین. ی. سو. **تغییر اجتماعی و توسعه**، ترجمه محمود حبیبی مظاهری تهران: پژوهشکده مطالعات راهبروی، ۱۳۷۸
- اسمیت، برایان کلایو، **مهم جهان سوم؛ نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی**، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قانعی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۸۰
- اسیتونر ساندرس، **جنگ سرد فرهنگی**، سازمان سیا و عرصه فرهنگ و هنر، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران: انتشارات غرب شناسی، ۱۳۸۲.
- امیری، مجتبی، **نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۷۴.
- برمن، ادوارد، **کنترل فرهنگ**: نقش بنیادهای کارنگی، فورد و را کفلر در سیاست خارجی آمریکا، ترجمه حمید الیاس، چاپ سوم، تهران: نشرنی، ۱۳۷۳
- بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، **آمریکا دنیا را به کدام سومی برد**، تهران: سروش، ۱۳۸۲
- چامسکی، نوآم، **سلطه یا بقا**، ترجمه ثقفی خراسانی، تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۵
- خواجه پور، جواد، **انحراف در انتقال ادبیات مدرن‌سیم**، دانش پژوهان، شماره ۲، سال ۱۳۸۲



-، **ناتوی فرهنگی**؛ سهم غرب، صلح و سهم بقیه جهان جنگ، کیهان، ۸۶/۵/۳، ص ۱۲
- خلیل زاد، زلمای و یان لسر، **استراتژی برای قرن بیست و یکم**، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی ها، تهران: نشر آمن، ۱۳۷۹.
- دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، **ستیز با تهاجم فرهنگی غرب**، چاپ سوم، تهران: رامین، ۱۳۷۵.
- ستوده، هدایت الله، **آسیب شناسی اجتماعی**، چاپ پنجم، تهران: آوای نور، ۱۳۷۸.
- شمیمی غیاثوند، **مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری**، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۵.
- ضیایی پیروز، حمید، **جنگ نرم: ویژه جنگ رایانه ای**. چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
- عزتی، ابوالفضل، **اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی**، تهران: هدی، بی تا.
- کمالی پور، یحیی و نانسو اسنو، **جنگ رسانه ها و تبلیغات**، ترجمه عباس کاروان و حسن سعید کلامی خیابان تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
- گی روشه، **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
- مصباح یزدی، محمد تقی، **تهاجم فرهنگی**، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه، **در آمدی بر اصلاحات**، تهران: ۱۳۷۹.
- معرفت، محمد هادی، **ولایت فقیه**، چاپ درم، قم: المهتید ۱۳۷۷.



- هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: نشر روزنه، ۱۳۷۳.
- هپلز، گری گریس، جنگ پست مدرن، ترجمه احمدرضا نقاء، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۸۱.
- هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان، ترجمه قیس زعفرانی، چاپ دوم، تهران: حلال، ۱۳۸۳.

ب - مجلات و روزنامه‌ها

- جوانی، یدالله، فناوری هسته‌ای و مواضع اصولی رهبر معظم انقلاب اسلامی، فصلنامه سیاسی روز، سال سوم، شماره دوازدهم (تابستان ۸۳)
- سعیدی، علی، کارکرد ناتوی فرهنگی و رسالتها «فصلنامه مریبان، شماره ۲۳ (بهار ۱۳۸۶) ص ص ۱۴۵ - ۱۳۴.
- سیمای ج. ا.ا، شبکه دو، گفتگوی خبری، ۸۱/۸/۲۱.
- سیمای ج. ا.ا، اخبار سراسری، ۱۳۸۰/۱۲/۱.
- صبح صادق؛ ۸۶/۲/۳۱، ۸۵/۸/۲۹، ۸۵/۱۰/۴.
- کیهان؛ ۸۶/۲/۲۶، ۸۵/۱۰/۲۶، ۸۵/۸/۱۹، ۸۱/۹/۲۰.
- مظفری، آیت، سرمقاله، فصلنامه حصون، شماره ۹ (پاییز ۸۵) ص ص ۵ - ۲.

-Dictionary of Palitics p227

-[http:// www. Leader : ir / langs /FA / \](http://www.Leadar.ir/langs/FA/) bprint. Php id = 3328.

-The Foundation Grants Index 2001

-web . [http : // www . leadar. Ir](http://www.leadar.ir)